

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صاحب عروة در ادامه بحث در فصل ششم می فرماید: «
ولافرق فی وجوبها أيضاً بین العالم و الجاهل المقصر و القاصر
علی الأحوط و إن کان الأقوی عدم وجوبها علی الجاهل خصوصاً
القاصر و المقصر الغير الملتفت حین الإفطار ، نعم إذا کان جاهلاً
بکون الشئ مفطراً مع علمه بحرمة کما إذا لم یعلم أنّ الکذب علی
الله و سوله من المفطرات فاتکبه حال الصوم فالظاهر لحوقه بالعالم
فی وجوب الکفارة » .

علی الأحوط در وجوب قضا و کفاره فرقی بین عالم و جاهل به
موجبات کفاره نیست البته جاهل اقسامی دارد؛ جاهل قاصر و
جاهل مقصر، جاهل قاصر کسی است که دسترسی به سؤال و
تحقیق ندارد اما جاهل مقصر کسی است که به سؤال و تحقیق
دسترسی دارد ولی خودش کوتاهی و مسامحه کرده است،
بنابراین در مسئله اقوال متعددی وجود دارد منتهی صاحب عروة
می فرماید أحوط این است که بر تمام افراد جاهل قضا و کفاره
لازم می باشد زیرا الجاهل کالعالم و بحث ما هم در مورد کسی
است که عمداً مرتکب مفطرات شده است اگر چه عن جهل بوده
باشد و محقق هم در شرایع همین نظر را دارد، البته صاحب عروة
در ادامه می فرماید: « و إن کان الأقوی عدم وجوبها علی الجاهل
خصوصاً القاصر و المقصر الغير الملتفت حین الإفطار . خوب ما
عرض می کنیم که ادله ای که دلالت بر احکام دارند اعم می باشند
یعنی ما که مخطئه هستیم قائلیم که خداوند متعال برای احکام
حکمی واقعی دارد که مشترک بین عالم و جاهل می باشد و برای
همه یکسان است در مقابل ما سنی ها مصوبه هستند و می گویند
احکام واقعی برحسب اجتهادات افراد فرق می کند، بنابراین در
مانحن فیه در وجوب قضا و کفاره فرقی بین جاهل و عالم و ناسی
و غیر ناسی نیست یعنی برحسب قواعد اولیه و اطلاقات ادله باید
فرقی بین جاهل و عالم نباشد پس همانطوریکه قضا و کفاره بر

عالم واجب است باید بر جاهل هم واجب باشد اما در بین هم نقلاً
و هم عقلاً دلیل داریم که عالم با جاهل فرق می کند چرا که جاهل
گاهی معذور است ولی عالم معذور نیست، بنابراین در این بحث
باید اولاً به روایاتمان توجه کنیم و بعد ببینیم که عقلاً جاهل تا چه
اندازه ای معذور دانسته شده است لذا اول باید روایات مربوط به
معذوریت جاهل را بخوانیم تا بعد رأی و نظر ما معلوم شود.
یکی از جاهایی که بسیار خوب در این مورد بحث کرده مصباح
الفقیه حاج آقا رضای همدانی می باشد، ایشان در ص ۴۴۶ از
جلد ۱۴ مصباح الفقیه اقوالی را ذکر کرده که بیان می کند بین عالم
و جاهل فرق وجود دارد، ایشان ۵ قول را ذکر می کند؛ اول
ایشان از مدارک نقل می کند که مشهور و اکثر قائلند که بین جاهل
و عالم فرقی نیست، قول دوم اینکه الجاهل لاشئ علیه، یعنی اگر
جاهل جهلاً افطار کند روزه اش درست است و قضا و کفاره هم
ندارد که در آخر کلام این را به شیخ انصاری (ره) نسبت می دهد،
قول سوم اینکه بین جاهل قاصر و مقصر تفصیل می دهد و این
قول را از معتبر محقق نقل می کند یعنی جاهل قاصر فقط قضا
دارد دون الکفارة ولی جاهل مقصر هم قضا دارد و هم کفاره، بقیه
اقوال را خودتان مراجعه کنید و مطالعه کنید .

خوب حالا می رویم سراغ روایاتی که دلالت دارند بر اینکه
جاهل معذور است و ما می خواهیم ببینیم که تا چه اندازه ای
معذور است، اولین خبری که می خوانیم خبر ۱۲ از باب ۹ از
ابواب مایمسک عنه الصائم می باشد، خبر این است: « و بآسناده
عن علی بن الحسن بن فضال، عن محمد بن علی، عن علی بن
النعمان، عن عبدالله بن مسکان، عن زرارة و أبي بصير قالاً جميعاً
: سألتنا أبا جعفر عليه السلام عن رجل أتى أهله في شهر رمضان و أتى
أهله و هو محرم و هو لا يرى إنا أن ذلك حلال له؟ قال: ليس
علی شیء ». علی بن حسن بن فضال از فقهای بزرگ و مورد
وثوق است منتهی فطحی المذهب می باشد و شیخ طوسی این
خبر را از کتاب او گرفته است منتهی در ص ۳۳۷ از جلد ۱۱ معجم
رجال حدیث آمده است که طریق شیخ به او ضعیف است، مراد از
محمد بن علی، محمد بن علی بن ابی شعبه حلبی می باشد که از

ممن لا تحلّ له أبداً؟ فقال: لا، أما إذا كان بجهالة فليتزوّجها بعد ما تنقضى عدتها و قد يعذر الناس في الجهالة بما هم أعظم من ذلك فقلت: بأيّ الجهالتين يعذر بجهالته أن ذلك محرّم عليه؟ أم بجهالته أنّها في عدّة؟ فقال: احدى الجهالتين أهون من الأخرى، الجهالة بأنّ الله حرّم ذلك عليه و ذلك بأنّه لا يقدر على الاحتياط معها، فقلت: و هو في الأخرى معذور؟ قال: نعم، إذا انقضت عدتها فهو معذور في أن يتزوّجها فقلت: فإن كان أحدهما متممداً والآخر بجهل فقال: الذي تعمّد لا يحلّ له أن يرجع إلى صاحبه أبداً». .

کلینی نقل می کند از استادش ابی علی اشعری، کلینی این خبر را از دو استاد گرفته است و تا نصف سند دو سند است و از نصف به بعد پیوند می خورد و یک سند می شود و خبر سنداً صحیح می باشد و ابی ابراهیم کنیه امام موسی کاظم علیه السلام می باشد، و شاهد ما در این روایت این جمله است؛ و قد يعذر الناس في الجهالة بما هو أعظم من ذلك، بنابراین تا به حالا سه خبر خواندیم که دلالت دارند بر اینکه جاهل با عالم فرق دارد به عبارت دیگر دلالت بر معذوریت جاهل دارند که حالا ما باید این روایات را بررسی کنیم و ببینیم تا چه اندازه ای دلالت دارند که بماند برای فردا إنشاء الله ...

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

طبقه ۴ است و توثیق هم شده است، و علی بن نعمان نخعی ثقة وجه ثبت صحیح، و عبدالله بن مسکان هم از طبقه ۵ و موثق می باشد، بنابراین خبر فقط از جهت علی بن محمد بن زبیر که در طریق شیخ به حسن بن فضال قرار دارد تضعیف شده و اشکال دارد، و همانطور که می بینید در این روایت شخص مورد نظر جاهل قاطع به خلاف بوده یعنی عقیده اش این بوده که ایتیان به مرثه در ماه رمضان و در حال احرام حلال است به عبارت دیگر جهل به حرمت داشته است در عین حال امام (ع) فرموده اند؛ لیس علیه شیء یعنی معذور است و اگر در مانحن فیبه باشد نه قضا دارد و نه کفاره.

خبر بعدی خبر ۳ از باب ۴۵ از ابواب تروک احرام می باشد، خبر این است: «وعن موسى بن القاسم، عن الصمد بن بشير، عن أبي عبدالله عليه السلام في حديث إن رجلاً أعجمياً دخل المسجد يلبي وعليه قميصه، فقال لأبي عبدالله عليه السلام إنني كنت رجلاً أعمل بیدی واجتمعت لی نفقة فحيث أحجّ لم أسأل أحداً عن شيء و أفتوني هؤلاء أن أشقّ قميصي وأنزعه من قبل رجلي، و إن حجّی فاسد، و إن علیّ بدنة فقال له: متى لبست قميصك، أبعد ما لبّيت أم قبل؟ قال: قبل أن اللبي، قال: فأخرجه فلا شيء عليه، طف بالبيت سبعاً، وصلّ ركعتين عند مقام إبراهيم عليه السلام واسع بين الصفا والمروة وقصّر من شعرك، فإذا كان يوم التروية فاغتسل و أهلّ بالحج واصنع كما يصنع الناس». . شیخ طوسی نقل می کند از موسی بن القاسم بن معاویه که ثقة جلیل القدر و از طبقه ۶ می باشد و طریق شیخ به ایشان هم خوب است و عبد الصمد بن بشیر هم خوب است و توثیق شده است بنابراین خبر سنداً صحیح می باشد، و شاهد ما این کلام امام علیه السلام است که فرموده اند؛ أيّ رجل ركب أمراً بجهالة فلا شيء عليه، که دلالت دارد بر اینکه شخص جاهل معذور است.

خبر بعدی خبر ۴ از باب ۱۷ از ابواب ما يحرم بالمصاهرة و نحوها می باشد، خبر این است: «و عن أبي علي الأشعري، عن محمد بن عبد الجبار و عن محمد بن إسماعيل عن الفضل بن شاذان جميعاً، عن صفوان، عن عبد الرحمن بن حجّاج، عن أبي ابراهيم عليه السلام قال: سألته عن الرجل يتزوّج المرأة في عدتها بجهالة، أهي